



دستگیری کلاهبردار ۳ میلیاردی

رئیس پلیس فتای مازندران از دستگیری کلاهبردار ۳ میلیاردی در ساری خبر داد. سرهنگ سامح خورشاد گفت: متهم اصلی این پرونده در یکی از زندان های تهران شناسایی شد. او با در اختیار داشتن تلفن با بیرون از زندان ارتباط برقرار می کرد و به بهانه برنده شدن در قرعه کشی برنامه های رادیویی از آنها کلاهبرداری می کرد.

خارجی

قتل زن و فرزند برای ازدواج دوم



مرد هندی با نقشه های از پیش طراحی شده، همسرش و دختر ۷ساله او را به قتل رساند تا بتواند با زنی که عاشقش شده بود ازدواج کند.

به گزارش همشهری به نقل از ایندیا پستز، حدود ۱۰ روز پیش با پیدا شدن جسد نیمه جان دختر بچه ای زیر درختی در منطقه بانکار در هند، تحقیقات پلیس درباره این پرونده آغاز شد. دختر ۷ساله به بیمارستان منتقل شد اما کمی بعد جانش را از دست داد و پلیس برای پیدا کردن سرخ هایی از قاتل یا قاتلین، دوربین های مدار بسته آن منطقه را مورد بررسی قرار داد.

در بررسی تصاویر دوربین های مدار بسته نخستین سرخ ها به دست آمد و مأموران متوجه راننده خودرویی شدند که جسد نیمه جان دختر بچه را به آن منطقه منتقل و زیر درختی در نزدیکی یک تپه رها کرده و متواری شده است. با استفاده از همین سرخ، راننده خودرو که مردی به نام ارشاد بود شناسایی و دستگیر شد.

ارشاد در اعتراف خود پرده از راه قتل دختر ۷ساله اش برداشت و به پلیس گفت: ۴ سال پیش با زنی به نام روپیدا ازدواج کردم. او همسرش جدا شده بود و ما عاشق هم شدیم و با وجود اینکه وی از همسر اولش یک دختر ۲ساله به شونا داشت، با هم ازدواج کردیم. متهم ادامه داد: در همه این سال ها پدر بزرگم که دختر دیگری را برایم در نظر داشت، مدام در گوشم می خواند که باید با آن دختر ازدواج کنم. من کم کم به آن دختر علاقه مند شدم و موضوع را با روپیدا در میان گذاشتم و گفتم که این دختر را پدر بزرگم برایم در نظر گرفته است و می خواهم با او ازدواج کنم. اما او مخالفت کرد.

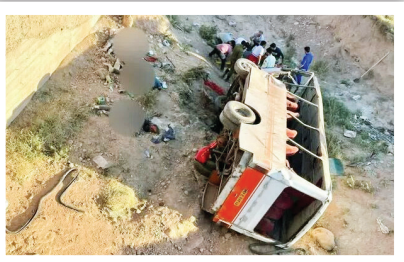
ارشاد ادامه داد: اصرار پدر بزرگم برای ازدواج دوم همچنان ادامه داشت، چرا که آن دختر از خانواده ای پولدار بود و پدر بزرگم می گفت که این ازدواج به نفع همه خانواده ما است. بنابراین با پدر بزرگم نقشه قتل همسرم و دخترش را کشیدیم تا دوباره ازدواج کنیم. یک شب که دختر روپیدا بیمار بود، به بهانه رفتن نزد پزشک آنها را سوار خودرو کرده و در بین راه هر دو را خفه کردیم و هر کدام را در منطقه ای با فاصله زیاد از هر رها کردیم. با این اعترافات، پلیس پدر بزرگ قاتل را نیز دستگیر و او به شرکت در این جنایت هولناک اعتراف کرد. در ادامه مأموران راهی منطقه ای شدند که جسد مادر در آنجا رها شده بود، اما چون چند روز از مرگ این زن می گذشت جسد تقریباً فاسد شده بود. به گفته رئیس پلیس منطقه بانکا، متهمان به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

کوتاه تر از گزارش

قربانیان سقوط مینی بوس ۱۰ نفر شدند

جان باختن ۱۰نفر از مصدومان حادثه سقوط مینی بوس گردشگران به دره ای در ورزقان موجب افزایش قربانیان این حادثه به ۱۰ نفر شد تا یکی از مرگبار ترین حوادث جاده ای ماه های اخیر رقم بخورد. به گزارش همشهری، این مینی بوس که حامل گروهی از گردشگران بود ساعت ۶:۲۴ دقیقه صبح جمعه در ورزقان، مقابل دانشگاه آزاد به دلایل نامعلومی از مسیر منحرف شده و به دره ای که در آنجا قرار دارد سقوط کرد. هر چند دقایقی بعد نخستین گروه های امدادی خود را به محل حادثه رساندند اما شدت این حادثه به حدی بود که ۷ نفر از سر نشینان مینی بوس در دم جان خود را از دست داده بودند و مصدومان نیز شرایط چندان خوبی نداشتند. در این شرایط حادثه دیدگان به مراکز درمانی منتقل شدند. اصغر جعفری روحی، رئیس اورژانس آذربایجان شرقی درباره وضعیت مصدومان این حادثه گفت: حادثه واژگونی مینی بوس گردشگران ۱۱ مصدوم داشت که ۱۰نفر در بیمارستان جان خود را از دست دادند و شمار قربانیان از ۷ نفر به ۱۰ نفر افزایش پیدا کرد. او ادامه داد: از میان مصدومان ۹نفر هم اکنون در بخش مراقبت های ویژه و ۲نفر در بخش بستری هستند و ۹نفر دیگر نیز مرخص شده اند.

در همین حال سرهنگ احمدی، جانشین پلیس راه استان آذربایجان شرقی نیز درباره علت وقوع این حادثه مرگبار گفت: برابر بررسی های انجام شده این مینی بوس ساعت ۵صبح روز جمعه از دروازه حرکت کرده و ساعت ۶:۱۰ در صد است، واژگونی جاده ورزقان که شیب جاده، بیش از ۱۰ در صد است، واژگونی شده است. او ادامه داد: علت وقوع حادثه در دست بررسی است اما در بررسی های میدانی خط ترمز مینی بوس در بیش از ۱۵ متر جاده مشخص بود و این موضوع نشان می دهد که خطای انسانی عامل وقوع حادثه بوده است. با وجود این سواد علل توسط کارشناسان پلیس راه استان در دست بررسی است.



بخشش ۶ قاتل در یک هفته

با همت ستاد ملی صبر تنها در یک هفته ۶ محکوم به قصاص در ۲ استان کرمان و لرستان از سوی اولیای دم بخشیده شده و به زندگی برگشتند. همچنین با تلاش این ستاد، اختلاف بین ۲ طایفه در استان خوزستان و ۲ طایفه در استان لرستان به صلح و سازش منجر شد و درگیری بین آنها بعد از سال ها به پایان رسید.



همسر، دختر، یامرد همسایه؛ چه کسی قاتل است؟

معمای عجیب قتل یک مرد



گزارش

الیه فراهانی روزنامه نگار

وقتی جسد مرد میانسال در خانه اش پیدا شد، همسر و دختر او به اتهام قتل بازداشت شدند اما آنها انگشت اتهام را به سمت مرد همسایه نشانه گرفتند. این در حالی بود که با دستگیری مرد همسایه، وی مدعی شد که قاتلان همسر و دختر مقتول هستند. به گزارش همشهری، پنجشنبه گذشته به باز پرس جنایی تهران خبر رسید که مردی در خانه اش با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. دقایقی از اعلام این گزارش می گذشت که تیم جنایی در محل حادثه حاضر شدند. مقتول مردی میانسال بود که در طبقه زیر همکف ساختمان به همراه همسر و فرزندانش زندگی می کرد. او با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود و همسر و دختر ۲۲ساله اش می گفتند که قتل صورتی فرد غریبه به قتل رسیده است.

روایت مادر

مادر خانواده (همسر مقتول) ابتدا به کار آگاه گفت: همه ما خواب بودیم که ناگهان با شنیدن صدای مهیبی بیدار شدیم. مرد غریبه ای را دیدیم که با پارچه صورتش را پوشانده بود. وی چاقویی در دست داشت و من و دخترم را تهدید کرد. سپس بالای سر شوهرم رفت و در حالی که او خواب بود با ضربات چاقو وی را به قتل رساند. ما متوجه قتل نشدیم چون قاتل ناشناس دست و پای من و فرزندمان را بسته و در اتاق زندانی مان کرده بود. فقط از روی صدا متوجه شدم که او به شوهرم حمله کرده است. قاتل بعد از آنکه جان شوهرم را گرفت فرار کرد. احتمال می دهم که شوهر ما این مرد دچار خصومت شده و انگیزه قاتل انتقام جوی بوده است.

روایت دختر

دختر ۲۲ساله مقتول دومین فردی بود که در محل

جنایت مورد بازجویی قرار گرفت. او اما روایت متفاوتی بیان کرد و گفت: وقتی قاتل ناشناس وارد خانه شد، مادر نبوده او برای خرید از خانه بیرون رفته بود و وقتی برگشت دید که قاتل ناشناس در خانه ماست. قاتل صورتش را پوشانده بود و ما نتوانستیم وی را ببینیم.

اظهارات مادر و دختر تناقض داشت و به نظر می رسید هر دو اسرار جنایت را می دانند و در این جنایت نقش دارند. آنها وقتی متوجه شدند که دروغ باقی و داستان سرایی شان لو رفته، مرد همسایه را به عنوان قاتل معرفی کردند.

دختر جوان گفت: مرد ۴۵ساله ای به نام فرهاد در اتاقی در پشت باب ساختمان ما زندگی می کند. من او با یکدیگر آشنا شده بودیم و کم کم سفره دلم را برای او باز کردم. برایش گفتم که پدرم مجردم و او می کند و او هم به خاطر من، جان پدرم را گرفت و من شاهد جنایت بودم.

روایت مرد همسایه

وقتی دختر جوان، فرهاد، مرد همسایه را به عنوان قاتل معرفی کرد، مأموران وی را بازداشت کردند. هر ۳متهم این پرونده صبح دیروز به شعبه دهم دادسرای جنایی تهران منتقل شدند و پیش روی قاضی امیرحسین علیرمدان قرار گرفتند.

گفت و گو

آنچه تحقیقات پلیس نشان می دهد از این حکایت دارد که مرد همسایه با همدستی دختر خانواده، دست به جنایت زده است. به همین دلیل در جلسه بازپرسی قاضی اتهام قتل را به مرد ۴۵ساله که اعتیاد به شیشه دارد تفهیم کرد. اما او خودش را بی گناه دانست و گفت: من زمانی که مقتول به قتل رسیدم، خواب بودم.

قاضی: مگر زمان قتل را می دانی؟

متهم: خب وقتی همسر و فرزندش داد و فریاد راه انداختند، من بیدار شدم. قاضی: مادر و دختر می گویند که تو مرگ قتل شده ای؟ متهم: دروغ می گویند: من کسی را نکشتم. خودشان دست به یکی کردند تا مرا متهم جلوه بدهند. آنها برای من توطئه چیده اند.

قاضی: چرا باید تو را قاتل معرفی کنند؟

متهم: نمی دانم، از خودشان پرسیدم. قاضی: در این لحظه از مادر و دختر بترسید که انگیزه مرد همسایه از قتل چه بوده است؟ دختر پاسخ داد: چون فرهاد (مرد همسایه) با پدرم بر سر مسائل مالی اختلاف داشت. فرهاد مستاجر پدرم بود و بر سر پول دست به جنایت زد. زمان حادثه مادرم در خانه نبود که ناگهان در را زدند. در را که باز کردم، فرهاد با چاقو وارد شد و سراغ پدرم رفت.

قاضی: مادرت کجا بود؟

همسر مقتول پاسخ می دهد: من بیرون بودم. رفته بودم خرید. قاضی: اما آثار چاقو و خراش روی دستانتان وجود دارد؟ مادر: من به گریه های خرابان غذای می دهم و گریه ها به دستانتان جنگ انداخته اند. از طرفی وقتی من رسیدم، فرهاد بالای سر شوهرم بود که با او درگیر شدم و دستانتان زخمی شد.

قاضی از فرهاد می پرسد: در این مورد چه دفاعی از خودتان دارید؟

متهم: نه اصلا. اما مادر و دختر با مقتول اختلافات شدیدی داشتند. قاضی: چه اختلافاتی؟ متهم: آنطور که من شنیدم مقتول اخلاق خوبی نداشت. بر سر همه چیز با همسر و دخترش اختلاف داشت. دختر مقتول بارها به من گفته بود که کاش پدرش بمیرد. حتی مادر خانواده می گفت یک روز همسرش را به قتل می رساند. آنها با همدستی یکدیگر جان مقتول را گرفتند.

قاضی: چه اختلافاتی؟

متهم: آنطور که من شنیدم مقتول اخلاق خوبی نداشت. بر سر همه چیز با همسر و دخترش اختلاف داشت. دختر مقتول بارها به من گفته بود که کاش پدرش بمیرد. حتی مادر خانواده می گفت یک روز همسرش را به قتل می رساند. آنها با همدستی یکدیگر جان مقتول را گرفتند.



تقویم حوادث

ساندویچ فروشی که طبابت می کرد!



متهم سابقه دار که تصمیم گرفته بود خلاف را کنار بگذارد، ساندویچ فروشی راه انداخت اما از آنجا که دلتنگ اقدامات مجرمانه شده بود، در نقش پزشک کلاه مردم را بر می داشت.

این خبر در ششهریور سال ۶۳در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، ۲۹سال پیش در چنین روزی، ماجرا از این قرار بود که کمال (معروف به کمال یکدست) با عنوان پزشک در مؤسسات و درمانگاه ها طبابت می کرد، اما مدتی بعد که این نقش به مذاقش خوش آمده بود، تصمیم گرفت که مطب خصوصی خود را افتتاح کند. غافل از اینکه اینجا پایان راه است و خیلی زود توسط مأموران شعبه ۱۵گانهی دستگیر خواهد شد.

رئیس شعبه ۱۵گاهی به خبرنگار اطلاعات گفت: چندی پیش افرادی برای شکایت به اداره آگاهی تهران آمده و از یک پزشک شکایت کردند. آنها گفتند که فردی به نام دکتر محمد کریم، به بهانه استفاده از آنها مبلغی پول دریافت کرده و گریخته است. با این شکایت تحقیقات مأموران شعبه ۱۵گاهی آغاز شد. آنها در همان ابتدا به فردی که سابقه قبلی در این زمینه داشت مظنون شدند و او را در کیوسک اغذیه فروشی اش در میدان آزادی دستگیر کردند.

کمال پس از دستگیری به تمام اتهاماتش اعتراف کرد و گفت: چندی پیش تلفنی با یکی از مؤسسات تماس گرفتم و از طرف می دهم، اگر من قاتل باشم باید آثار چاقو روی دستانت وجود داشته باشد. اما می بیند که هیچ آثاری نیست! قاضی از فرهاد می پرسد: در این مورد چه دفاعی از خودتان دارید؟

کمال پس از دستگیری به تمام اتهاماتش اعتراف کرد و گفت: چندی پیش تلفنی با یکی از مؤسسات تماس گرفتم و از طرف می دهم، اگر من قاتل باشم باید آثار چاقو روی دستانت وجود داشته باشد. اما می بیند که هیچ آثاری نیست! قاضی از فرهاد می پرسد: در این مورد چه دفاعی از خودتان دارید؟

متهم پس از بازپرسی و اعتراف به تمام اتهاماتش از طرف بازپرسی دادسرای ناحیه ۷مستقر در آگاهی به انجام چندین فقره کلاهبرداری و جعل عنوان پزشکی با قرار ۲۰ میلیون ریال وثیقه با داشت و روانه زندان شد.

دانشنی های حقوقی

چه زور گیرانی مستحق اعدام هستند؟



زور گیران با استفاده از چاقو و قمه یا... شهروندان را تهدید کرده و اموال شان را سرقت می کنند، اما قانون چه کسانی را زور گیر قلمداد کرده و چه مجازاتی در انتظار افرادی است که دست به زور گیری

می زنند؟ سعید محمدی، وکیل پایه یک دادگستری ضمن تعریف جرم زور گیری می گوید: «زور گیری یا اخاذی، عبارت است از اینکه فردی، با تهدید مالی، جانی و شرافتی، اقدام به در خواست مال، وجه، انجام کار یا عدم انجام کاری، از شخص دیگر کند که حکم زور گیری در قانون مجازات اسلامی، حبس و شلاق است.»

او ادامه می دهد: «براساس ماده ۶۱۷قانون مجازات اسلامی هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر با قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق مجاربه نباشد به حبس از ۲ تا ۲ سال و تا (۷۴) ضرب به شلاق محکوم خواهد شد. البته این ماده دارای ۲ تبصره است.»

تبصره ۱ (الحاقی ۹/۲۹/۱۳۹۶) - حمل قمه، شمشیر، قداره و پنجه بوکس در صورتی که صرفاً به منظور درگیری فیزیکی و ضرب و جرح انجام شود جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می شود.»

این وکیل پایه یک دادگستری تأکید می کند: «در جرم زور گیری برای اشخاص زور گیر، استفاده از اسلحه چه به صورت سرد و یا نوع گرم آن، وقوع این جرم به عنوان مجاربه شناخته شده و مجازات آن اعدام خواهد بود. در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی چنین ذکر می شود که «مجاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود.» محمدی تأکید می کند: «یادآوری این نکته ضروری است که چنانچه شخص به جرم زور گیری، سرقت یا راهزنی پرداخته و برای موفقیت بیشتر از سلاح استفاده کند، به عنوان مجارب شناخته می شود و مجازات اعدام در انتظار وی خواهد بود.»

شمارش معکوس برای محاکمه عاملان جنایت شاهچراغ (ع)



جنایی

پرونده ۱۰نفر از عاملان اصلی حمله تروریستی به حرم شاهچراغ با صدور کیفرخواست به دادگاه انقلاب فرستاده شد و قرار است به زودی نخستین جلسه محاکمه برگزار شود.

به گزارش همشهری، شامگاه یکشنبه، ۲۲مردادماه امسال، دقایقی بعد از حمله تروریستی یک مهاجم مسلح به حرم شاهچراغ، در شیراز که به شهادت ۱۰نفر از خادمان و مجروح شدن شماری از زائران منجر شد، نیز هوای امنیتی و انتظامی تحقیقات برای ردیابی پشت پرده این حمله تروریستی و شناسایی آمران و عاملان آن را آغاز کردند. دستگاه قضایی نیز وعده بر خورد سخت با تروریست ها را داد. در ادامه شمار زیادی به ظن دست داشتن در این حمله دستگیر شدند و از آن روز تحقیقات در این باره ادامه داشت تا اینکه روز گذشته رئیس کل دادگستری استان فارس از صدور کیفرخواست در این پرونده خبر داد.

حجت الاسلام سید کاظم موسوی، در این باره گفت: قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست برای ۱۰نفر از متهمان اصلی حمله تروریستی صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه انقلاب اسلامی شیراز ارسال شده است و به زودی شاهد برگزاری

ادعای عجیب پسر جوانی که مادرش را به قتل رسانده است: صدایی در سرم دستور قتل می داد

به قتل هولناک مادرش اعتراف کرد و گفت به شدت نادم و پشیمان است. پسر جوان ادامه داد: شب گذشته(جمعه شب) ساعت ۱۰ شب بود که از خواب پریدم. راستش اصلا حالم خوب نبود و غروب رفته بود تا استراحت کنم. وقتی بیدار شدم انگار خودم نبودم. فکر می کنم روحم از جسم جدا شده بود یا روح دیگری در کالبد من بود. هر چه بود خودم نبودم و کس دیگری در کالبد من زندگی می کرد. ناگهان صدایی شنیدم؛ صدایی شبیه به زمزمه. مدام در سرم تکرار می شد و می گفت مادرت را بکش. هر چه بر سرم می کوبیدم، صدای قطع نمی شد و من به تبعیت از آن صدا از اتاق خارج شدم و به سمت مادرم که سرگرم تماشای تلویزیون بود، رفتم. او گفت پسرم که اتفاقی افتاده است؟ من ناگهان با چادرش، او را خفه کردم. بعد رفته سیگاری کشیدم و یک ساعت بعد دوباره همان صدا به من گفت که

سپس نشانی خانه شان را به اپراتور پلیس گفت و گوشی را قطع کرد. دقایقی از این تماس می گذشت که قاضی محمدحسین زارعی، باز پرس جنایی تهران به همراه تیمی از مأموران تجسس قدم در محل حادثه که آپارتمانی در غرب پایتخت بود، گذاشتند. گفته های فرد پسر گریخته صحت داشت و در سالن پذیرایی جسد خونین زنی ۵۶ساله دیده می شد. کمی آن طرف تر پسر جوانی روی کاناپه نشسته بود و اشک می ریخت. او کسی جز پسر مقتول نبود که دقایقی قبل تر با پلیس تماس گرفته بود. او به همراه مادرش زندگی می کرد و آنطور که تحقیقات اولیه نشان می داد، پدر خانواده به خاطر مسائل مالی در زندان بود. مقتول به جز این پسر، ۲دختر دیگر داشته که در خارج از کشور زندگی می کرده اند. در این شرایط مأموران پسر چنانچه را دستگیر کردند و او در بازجویی ها



«انگار از کالبد جدا شده بودم و روح دیگری در جسم من رخنه کرده بود، آن گاه صدایی در سرم مدام می گفت برو جان مادرت را بگیر.» این ادعای پسر جوان است که صبح دیروز در اقدامی هولناک، جان مادرش را گرفت. به گزارش همشهری، ساعت ۸صبح دیروز پسرسی با ۱۱۰ تماس گرفت و وقتی اپراتور پاسخ داد، گفت: «من مادرم را کشته ام.» او